



## ضمان عاقله از دید فقه و حقوق

پدیدآورنده (ها) : وفایی نژاد، امیرحسین

میان رشته ای :: همایش پژوهشهای دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام :: دوره ۲؛ ۱۳۹۸/۰۳/۳۰ - ۱۳۹۸/۰۳/۳۰

صفحات : از ۱۴۴۶ تا ۱۴۵۵

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1810705>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۲/۰۷/۲۴

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- ضمان عاقله
- پژوهشی در ضمان عاقله
- ضمان عاقله از نگاهی دیگر
- قواعد شکلی مطالبه دیه از صندوق تامین خسارت‌های بدنی و بیت‌المال
- ضمان عاقله و قرآن
- روش زندگی و تاثیر گذاری بزه‌دیده بر وقوع جرم
- تعهدات صندوق تامین خسارت‌های بدنی از دیدگاه حقوقی
- تحلیلی از مسئولیت عاقله، خویشان و بیت‌المال در فقه؛ در راستای اصل مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر در حقوق فرانسه
- صندوق تامین خسارت‌های بدنی: ترسیم وضع موجود و چشم‌انداز آینده
- خسارت عدم‌النفع در نظام حقوق کنونی ایران
- مسوولیت و عدم‌النفع در خسارت‌های مازاد بر دیه
- بررسی قابلیت جبران‌پذیری عدم‌النفع در فقه امامیه

## عناوین مشابه

- شرط ضمان مطلق مستأجر در نگهداری از عین مستاجر در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران
- تحلیل ماهیت ضمانتنامه بانکی در مقایسه با ضمان عهده از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه
- محرومیت از کار و ضمان آن در فقه و حقوق موضوعه
- نگرش تحلیلی بر نقش تقصیر در ضمان ناشی از تسبیب در فقه اسلامی و حقوق ایران
- ضمان خسارات وارده بر عرض و جان از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه
- ضمان تلف و نقص ناشی از استعمال مورد عاریه با مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی و حقوق فرانسه
- بررسی حکم ضمان در انتقال بیماری مسری از منظر فقه و حقوق
- تحلیلی از مسئولیت عاقله، خویشان و بیت‌المال در فقه؛ در راستای اصل مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر در حقوق فرانسه
- تسلیم کالا جهت معامله آتی و ضمان آن از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه
- ضمان ناشی از بطلان اعمال حقوقی معاوضی (در حقوق ایران، مصر، فرانسه و فقه امامیه)

## ضمان عاقله از دید فقه و حقوق

امیرحسین وفایی نژاد

کارشناسی حقوق ازدانشگاه تهران

### چکیده

یکی از مباحث قابل توجه در حقوق اسلامی، مسئله عاقله و مسئولیت آن در پرداخت دیه است. عاقله از ماده عقل به معنای منع و باز داشتن است و در اصطلاح، به افرادی اطلاق می‌شود که مسئولیت دیه را به جای جانی برعهده می‌گیرند. این افراد بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث به صورت مساوی عهده دار پرداخت دیه خواهند بود. بررسی چنین مسئولیتی با توجه به قرآن و روایات بر افرادی غیر از جانی با روشی کتابخانه‌ای و تحقیقاتی از نوع توصیفی تحلیلی می‌باشد. پس از شناخت این مبانی نگارنده بر آن است که حدود این مسئولیت را از منظر فقه و حقوق مد نظر قرارداد و مشخص سازد که تطبیق آن با حقوق در عصر جدید چگونه امکان پذیر است. مسئله اصلی مقاله این است که جایگاه عاقله و مسائل مربوط به آن در فقه را مشخص سازد. هدف این پژوهش آن است که با کنکاش در دلایل فقهی و توجه به میراث پر ارزش علمای اسلامی، مسئله مورد بحث را واکاوی کرده، ابعاد آن را روشن سازد. با توجه به احکام فقهی می‌توان گفت بنای عقلا در زمان شارع، تعهد عاقله بوده که مورد تأیید شارع قرار گرفته است. اما در وضعیت کنونی عملاً تعهداتی وجود ندارد بلکه دیه بر خود جانی ثابت و وی عهده دار پرداخت دیه است مگر آنکه طبق قراردادی، یک شخصیت حقوقی یا حقیقی این مسئولیت را پذیرفته باشد.

واژگان کلیدی: مسئولیت، عاقله، فقه.

## مقدمه

یکی از موضوعات مورد اتفاق فقهای اهل تشیع و اهل سنت حکم عاقله است. به طوری که این موضوع از جمله قوانین مترقی و عادلانه اسلام در باب قصاص و دیات و قوانین جزایی و نیز نشانه جامعیت آن است. زیرا نظام عاقله دارای آثار مهم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و به لحاظ تحکیم پیوند های خانوادگی حائز اهمیت است و هیچ مانع حقوقی در جوامع کنونی ندارد. به طوری که قانون مجازات اسلامی مواردی را به بحث ضمان عاقله اختصاص داده است. قصاص جانی یا پرداخت دیه از طرف او یکی از اصول و احکام مسلم و قطعی دین اسلام می باشد. اما در عین حال گاهی جنایات وارده قصاص جانی را به دنبال ندارد بلکه جانی ملزم به پرداخت دیه می شود. یکی از موارد پرداخت دیه، جنایتی است که خطای محض باشد. در این جنایات که مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه راداشته است و نه قصد فعل ایجاد شده را، افرادی غیر از جانی که عاقله نامیده می شوند، مسئول پرداخت دیه می گردند که همان بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری جانی هستند. با این وجود عده ای با بیان اینکه ضمان عاقله به مسئولیت گروهی از خویشاوندان شخص جانی در پرداخت دیه جنایت خطایی که در آن هیچ گونه نقشی نداشته اند، تردید هایی نسبت به آن ایجاد کرده اند و آن را از جمله قوانین متروک قانون مجازات اسلامی می دانند. در مقابل نیز عده ای ضمان عاقله را از قواعد مترقی و عادلانه اسلام می دانند و اظهار می کنند که ضمان عاقله در جهت حمایت از خون مجنی علیه و جلوگیری از به هدر رفتن آن است. تحمیل پرداخت دیه بر افرادی غیر از جانی نگارنده را بر آن واداشت که به دنبال حکمت های این مسئولیت باشد و مبنای این مسئولیت را بر اساس فقه بررسی نماید. به نظر می رسد مهمترین مبنای چنین مسئولیتی روایات باب عاقله باشند و بر اساس آن این ضمان بر افرادی غیر از جانی نهاده شده است. یافتن پاسخ به سوالاتی از این قبیل که دیه خسارت است یا مجازات؟ عاقله در چه صورتی مسئول پرداخت دیه هستند؟ مسئولیت عاقله از دید فقهی چگونه است؟ و اینکه آیا می توان راه حلی متناسب با جامعه کنونی ارائه داد؟ انگیزه دیگری برای انتخاب موضوع مورد نظر شد. درباره این موضوع مقالاتی ارائه شده اما آنچه در این پژوهش سعی شده به آن اشاره شود بررسی فقهی و حقوقی مسئولیت عاقله در پرداخت دیه می باشد.

## مبانی تحقیق

موضوع ضمان عاقله همانند بسیاری از مباحث فقهی دیگر از دیدگاه محققان به دور نمانده و هر یک از نقطه نظر خود بدان توجه داشته اند. نقل و بررسی دیدگاه های آنان ضرورتی ندارد چراکه بحث اصلی ما در این تحقیق آشنا کردن مخاطب با مسئولیت عاقله در پرداخت دیه از منظر فقهی و حقوقی میباشد در این زمینه مطالعات زیادی صورت پذیرفته اما آنچه این تحقیق را متمایز می کند. بررسی فقهی و در عین حال حقوقی و اشارات قانون در این زمینه است که قابل توجه می باشد. حال باید بررسی شود که ضمان عاقله از کجا ناشی شده و اینکه آیا به لحاظ فقهی و حقوقی چه ادله ای وجود دارد که فردی غیر از جانی مسئول گردد و حدود این مسئولیت تا چه اندازه ای می باشد. در مقاله ای با عنوان عاقله در نظام فقهی اسلام نویسنده مقتضیات زمان را صد درصد موجب نسخ احکام نمی داند و قائل است که این حکم همچنان قابل اجرا است. در مقاله ای دیگر با عنوان بررسی حقوقی عاقله در فقه اسلامی و قرآن، نویسنده به عنوان یکی از مخالفان تحمیل این مسئولیت بر عاقله، به این نتیجه می رسد که حکم عاقله غیر قابل اجرا و مخالف اصل شخصی بودن مجازات است و یک حکم امضایی یعنی تأیید روش عقلایی زمان تشریح است. با توجه به موارد گفته شده، ویژگی بارز این اثربیین

فقهی حقوقی این مسئله است که در ادامه به آن می‌پردازیم. همچنین به دنبال بررسی پیشنهاد هایی جدید در مقوله عاقله می‌باشد.

## روش تحقیق

این مقاله ، با گردآوری مطالب به روش کتابخانه ای و با روشی توصیفی تحلیلی نگارش شده است زیرا سعی بر این است که با توصیف موضوعات ، در موارد تحلیلی هم تحلیل مختصری از موضوع ارائه شود.

## یافته ها

در مقوله مورد بحث ، یکی از موضوعاتی که به ویژه پس از وضع قانون مجازات اسلامی کشورمان در محافل فقها و علما و حقوقدانان مورد توجه قرار گرفته و درباره آن آرا و نظریات متفاوتی اظهار شده است ، موضوع عاقله و مسئولیت آن در پرداخت دیه است. بیشتر فقهای اسلام اعم از شیعه و سنی به مسئول بودن عاقله جهت پرداخت دیه در قتل خطای محض فتوا داده اند. مقاله حاضر پژوهشی است که در آن تلاش گردیده تا آشنایی مختصری با بحث ضمان و شرایط آن از سوی عاقله شرح داده شود و به این نتیجه رسیده که حکم ضمان برای عاقله ، حکومتی بوده که به دلیل شرایط خاص و به جهت حمایت از ارکان ترکیبی جامعه از طرف رسول خدا(ص) وضع گردیده و بقا آن در طول زمان تابع همان شرایط و فلسفه است. پس بنا بر اصل هر کسی مسئول اعمال خویش می‌باشد حال بحث ضمان که با این اصل در تعارض است تابع شرایطی است که بدان اشاره می‌گردد.

شرایط تحقق ضمان عاقله

۱. عاقله باید از بستگان پدری و مادری باشد پس بستگان مادری از دایره عاقله خارجند.
۲. عاقله باید مرد باشد.
۳. عاقله باید بالغ باشد پس صغیر جزء عاقله نیست و همچنین باید عاقل باشد پس مجنون جز عاقله نیست.
۴. عاقله باید هنگام سر رسید اقساط دیه ، دارا باشد پس معسر عاقله محسوب نمی‌شود.
۵. قتل خطای محض با بینه ، قسامه و علم قاضی ثابت گردد ، اگر با اقرار جانی یا نکول او از قسم یا نکول او از قسامه ثابت شود ، عاقله ضامن نیست.
۶. در دیه جراحات ، دیه بالا تر از موضعه باشد پس دیه جنایت پایین تر از موضعه برعهده جانی است.
۷. در مورد جنایت های خطائی که شخص بر خودش وارد آورد و اتلاف مالی که به طور خطاء محض حاصل می‌شود عاقله ضامن نمی‌باشد.

## بحث

### ۱. عاقله

(۱۰۱) در اصطلاح فقه

در اصطلاح فقهی ، نزدیکان و خویشاوندان شخصی هستند که مرتکب قتل غیر عمد و جرح مخصوص می‌شود که بایستی دیه آن قتل

و جرح راپردازند. در رابطه با مفهوم عاقله که چرا خویشاوندان نزدیک شخص جانی یا قاتل را عاقله نام گذاری کرده اند چند احتمال وجود دارد: الف. عقل به معنای منع است و خویشاوندان نزدیک قاتل با پرداخت دیه حائل و مانع بین جانی و اولیای دم مقتول یا مجروح می شوند. ب. عقل به معنای «حفظ کردن» آمده است و عاقله به کسانی گفته می شود که با پرداخت دیه، خاطی را از قصاص یا تعزیر حفظ می کنند. ج. عقل به معنای «بستن» آمده و خویشان جانی، شترها را به عنوان دیه نزد اولیای دم برده و عقال می کنند یعنی زنان آن‌ها را می بندند و یا این که با پرداخت دیه، زبان اولیای دم را از تقاضای قصاص و غیره می بندند. خویشانی که شرعا عاقله نامیده می شوند به ترتیب تقدم عبارتند از: خویشان پدرمادری - خویشان پدری. در اصطلاح حقوق

و در اصطلاح طبق ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی عبارت است از «بستگان ذکور نسبی پدرمادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث به طوری که همه کسانی که حین الفوت می توانند ارث ببرند به صورت مساوی عهده دار پرداخت دیه خواهند بود»

#### ۲۰۱) فلسفه عاقله

الف. تعدیل تعصبات و ترویج تعاون و همکاری

نظام عاقله موجب تقویت و تحکیم خانواده است. قانون عاقله موجب تعدیل تعصبات قبیله ای و خانوادگی می شود. بنابراین وقتی خویشاوندانی که مشمول قانون عاقله اند، شرعا موظف به پرداخت دیه قتل خطایی شدند، تعصبات بی جا و بی رویه ای که در بعضی از اقوام و قبیله ها است، تعدیل و سبک می شود و الا اقل این که بجا و حساب شده مصرف می شود. قانون عاقله موجب حفظ نسبت های خانوادگی و فراموش نشدن خویشاوندی می شود. قطعا قانون عاقله موجب به وجود آمدن اصل تعاون و همکاری بین افراد خانواده و جامعه خواهد شد و از آنجا که جرائم خطایی زیاد اتفاق می افتد باید در تمام اوقات خانواده با هم ارتباط داشته باشند، بنابراین ارتباط و پیوند خانوادگی همیشگی و دائمی خواهد شد. بنابراین نظام عاقله یک نوع پیمان شرعی است که اشخاص از روی علم و اختیار تعهد می کنند تا از خانواده که مقدس ترین نهاد اجتماعی است، حمایت کنند که از هم نباشد. محقق بزرگ، شهیدثانی می گوید علما گفته اند: تحمیل غرامت بر غیر جانی خلاف قاعده است الا این که چون قبایل عرب در زمان جاهلیت از روی تعصب در مقام حمایت و نصرت جانی برمی آمدند و مانع می شدند که اولیای مقتول بتوانند انتقام بگیرند و یا حقشان را از قاتل و جانی بگیرند، شارع متعال مقرر فرموده، در صورتی که جنایت عمدی نباشد، در عوض این حمایت و نصرت بی جا برای کمک به قاتل بذل مال کنند و عاقله جانی که خویشاوندان او هستند، دیه ی مقتول را بدهند و چون این حمایت و دادن دیه از طرف جانی را به اجانب تشبیه کردند خداوند اجازه داده است که از سهم زکات در راه ذات البین صرف نمایند و نیز شارع متعال به منظور اینکه بر خویشاوندان مشقت نباشد، دادن دیه ی جنایت خطایی را موجد و مدت دار قرارداده است نه نقدی، تا از این راه هم قاتل جانی را حمایت کرده و هم بر عاقله مشقت نکرده باشد.

ب. حمایت از خون مسلمان

بدون شک از نظر اسلام خون شخص مسلمان بسیار اهمیت دارد و به هیچ وجه و در هیچ شرایطی نباید هدر برود و از طرف دیگر چون فعل شخص جانی از روی خطا بوده است و هیچ گونه عمدی در کار نبوده و بی تقصیر است و قتل و جنایت خطایی هم برخلاف قتل عمدی زیاد واقع می شود و دیده ی انسان هم مال عظیمی است و پرداخت آن مشکل است و لذا تحمیل آن بر جانی خطایی در حد

اجحاف است و همراه با مشقت ، لذا حکمت الهی اقتضا می کند که خویشاوندان جانی برای کمک و همراهی با او دیه را تحمل کنند و بین آنان تقسیم شود تا هم خون مسلمان هدر نرود و هم برقاتل و جانی خطایی دشوار نباشد. بنابراین قانون عاقله هم موجب حفظ خون مسلمان است و هم موجب مواسات با جانی.

ج. مسئولیت تربیت

اساس وریشه ی جنایت های خطایی ، سهل انگاری و عدم احتیاط است و علت این دو هم سوء تربیت و عدم توجیه جنایت برای جنایتکاران است و مسئول تربیت ، همان عاقله و خویشاوندان اند که به هم اتصال دارند. بنابراین در مرحله ی اول واجب است بر عاقله که دیه را تحمل کنند و اگر عاقله و خویشاوندان جانی عاجز باشند ، باید جامعه دیه را تحمل کند و زمانی که امام و یا حاکم اسلامی دیه را از بیت المال می دهد ، در حقیقت جامعه آن را تحمل می کند. اگر خویشاوندان آگاهی به این حکم داشته باشند ، در مقام تعلیم و تربیت و توجیه خویشاوندان خود بر می آیند. به عبارت دیگر می توان گفت این سهل انگاری و عدم احتیاط در شخص جانی ، معلول خانواده و درک این که جانی پشتوانه ی خانوادگی دارد و یا پشتوانه ی اجتماعی دارد و آنان از او حمایت می کنند بوده است پس باید خویشاوندان او و افراد جامعه خطای جانی را تحمل کنند.

### ۳۰۱) ضمان عاقله در قانون

قانون مجازات اسلامی ، طبق فتوای مشهور فقهای شیعه در مورد پرداخت دیه از سوی عاقله ، در مواد ۳۰۵ و ۳۰۶ ضمان عاقله را در موارد زیر بیان کرده است:

الف) در قتل خطای محض در صورتی که قتل با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود.

ب) جنایت عمد و شبه عمد نابالغ و دیوانه به منزله خطای محض ، و دیه جنایت آن دو برعهده عاقله است.

مطابق مواد بالا اولاً، عاقله فقط در مواردی مسئول است که قتل ، خطای محض و یا در حکم خطای محض باشد. البته نه هر قتل خطای محضی ، بلکه فقط در خطای محضی که با اقرار ثابت نشده باشد ، عاقله دیه را می پردازد. به تعبیر دیگر ، در قتل های خطایی محض ، که قتل با اقرار قاتل ثابت نشده باشد ، عاقله مسئولیتی در پرداخت دیه ندارد. دلیل این دیدگاه برخی روایات است. از جمله این روایات:

الف) (عن ابی جعفر قال: لا تضمن العاقله عمدا ولا اقرارا ولا صلحا) امام باقر(ع) فرمود: عاقله ضامن قتل عمد و اقرار قاتل و مصالحه قاتل نیست.

ب) (العاقله لا تضمن عمدا ولا اقرارا ولا صلحا) حضرت علی (ع) می فرماید: عاقله ضامن قتل عمد و اقرار قاتل و مصالحه اونیست.

ج) (قال امیرالمومنین (ع): لا تعقل العاقله إلا ما قامت علیه البینه ، و اتاه رجل فاعترف عنده فجعله فی ماله خاصه ولم يجعل علی عاقله منه شیئا) امیرالمومنین (ع) فرمودند: عاقله فقط در جنایتی مسئول است که از طریق بینه ثابت شده باشد. از این رو، وقتی شخصی نزد حضرت آمد و به قتل خود اعتراف کرد ، امام (ع) دیه را در مال او قرار داد و مسئولیتی را متوجه عاقله وی نکرد.

## ۱۰۲) ضمان عاقله از نگاه فقها

در این مسئله در زمان حاضر چهار دیدگاه وجود دارد.

دیدگاه نخست

نظریه نخست، که مشهورترین دیدگاه نزد فقهای پیشین و حتی معاصر است، اعتقاد دارد که به مانند صدر اسلام عاقله در قتل خطایی محض مسئول است. از جمله فقهایی که درباره مسئول بودن در قتل خطای محض، که از طریق بینه ثابت شده باشد، نظر داده و حتی برخی تصریح کرده‌اند که خلافی در این مسئله وجود ندارد، شیخ صدوق، شیخ طوسی، محقق حلی، صاحب جواهر و امام خمینی (رحمت الله علیه) است.

نظریه دوم

به نظر می‌رسد این دیدگاه به آیت الله صانعی منحصر باشد. ایشان در پاسخ به سوالی درباره مواردی که دیه برعهده عاقله است، می‌گوید: (به نظر این جانب، قدر متیقن از دیه برعاقله، در مثل جایی است که عاقله در مسئولیت حفظ قاتل از قتل و جرح و... مسامحه و بی‌مبالاتی نموده، مثل صغیری که ممیز نبوده و از نظر عقلا عاقله اش مسئول پیشگیری او از قتل و ضرب و جرح می‌باشد، و یا مثل دیوانه زنجیری، که در این گونه موارد، ضمان جنایت‌های آنها از باب اقوابیت سبب و دلالت روایات به عهده عاقله است. اما حکم به دیه در مطلق قتل خطایی، قطع نظر از آن که از جهت ادله و لسان اخبار ثابت نیست. اطلاقی که در مقام بیان این جهت باشد تا اطلاقش از این محکم گردد، یا مشکل است یا ممنوع. و عموم آن ادله، بر فرض ثبوت اطلاق، چون برخلاف آیه شریفه (ولاترزوا زه و زراخری) و برخلاف عقل که حکم به مضمون آیه است، می‌باشد. به خاطر مخالفت با قرآن و عقل و اصول مسلمة شرعیة و عقلائیة که همه و همه همان مضمون کتاب الله است، حجت نبوده و قابل استدلال و احتجاج نیست، و چون لسان آیه هم بابتی از تخصیص است، رفع مخالفت با آن با مسئله تخصیص هم ناتمام و نادرست است). این نظر بنا به دلایلی قابل خدشه است:

اولاً، چنین قدر متیقنی که ادعا شده است، از هیچ دلیلی ثابت نیست. ثانیاً، مگر مسئولیت حفظ صغیر غیر ممیز و یا حتی به تعبیر ایشان دیوانه زنجیری با تمامی افراد عاقله است که بتوانیم در مقابل مسامحه و یا بی‌مبالاتی احتمالی بگوییم همه آنها ضامن هستند؟ پس چرا سایر افراد باید تاوان بی‌مبالاتی ولی کودک و یا دیوانه را بپردازند؟ ثالثاً، اگر ولی و شخصی که مسئول حفاظت از دیوانه است، در نگهداری او تعلق و کوتاهی کند و دیوانه جنایتی را مرتکب شود، به قول ایشان از باب اقوابیت سبب، ضامن خواهد بود. یعنی به نوعی جنایت واقع شده، به ولی و یا مسئول حفاظت منتسب می‌شود و به سبب همین انتساب، ضامن است، نه به جهت عاقله بودن. بنابراین اعتقاد ما بر این است که مخالفت روایات مربوط به ضمان عاقله، با حکم عقل و با قرآن کریم و حتی با اصول مسلم شرعی برای اثبات حکم ضمان عاقله در صدر اسلام و با توجه به شرایط و مقتضیات آن زمان به طوری که معظم له بیان داشته‌اند، ثابت نیست.



نظریه سوم

دکتر محمد صادقی تهرانی در مورد خطای محض قائل به پرداخت دیه از سوی خود جانی است و عاقله را ضامن مسئول پرداخت دیه در قتل خطایی محض نمی‌داند. وی دلیل خود را در رد ضمان عاقله این می‌داند که خلاف کتاب و سنت عادلانه است، به ویژه در جایی که قاتل کبیر و ثروتمند باشد و عاقله تنگدست. هر چند بالغ باشد. همچنین خصوصا در جایی که عاقله مسئولیت حفظ قاتل خطایی را نداشته باشد تا بتوان وی را به پرداخت دیه و آزاد کردن بنده تأدیب نمود. از جمله آیاتی که مطابق نظر ایشان با ضمان عاقله مخالفت دارد عبارت است از: (ولا تکسب کل نفس إلا علیها ولاترزوا زره و زر آخری) هیچ کس چیزی نیندوخت مگر بر خود و هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد.

نظریه چهارم

یکی از طرفداران این نظریه، آیت الله محمد حسن مرعشی است. ایشان در یکی از مقالات خود با عنوان ضمان عاقله (مسئولیت عاقله در پرداخت دیه)، با اشاره به این که یکی از انتقادهای وارد بر فقها در امر اجتهاد، استناد آنها فقط به روایات و منابع فقهی دیگر بدون توجه به شرایط زمانی و مکانی است، مسئله پرداخت دیه از طرف عاقله را همانند مسائل دیگری چون مسئله عتق رقبه حکمی می‌داند که دایر مدار وجود موضوع و شرایط آن باشد. یعنی چون با توجه به شرایط اجتماعی حاضر در اغلب جوامع بشری، اساسا موضوع عاقله منتفی است، پس حکم در مورد آن موضوع نیز منتفی خواهد بود.

تفاوت نظریه سوم و چهارم

اگرچه نظریه عملی نظریه سوم و چهارم عدم ضمان عاقله در پرداخت دیه است اما تفاوت این دو دیدگاه در این است که آیت الله مرعشی و موافقان وی، اصل تشریح ضمان عاقله را در پرداخت دیه قتل خطایی مردود نمی‌دانند. بلکه بر اساس شرایط و مقتضیات زمان، دیگر موضوعیت عاقله را منتفی می‌دانند و از این رو، آنان را مسئول پرداخت دیه ندانسته‌اند. اما دکتر صادقی تهرانی بیشتر با استناد به آیات قرآن و گویا بدون عنایت به روایات وارده و سنت قطعی، اساس تشریح حکم ضمان عاقله را در پرداخت دیه نشانه گرفته و آن را منتفی دانسته است و به نظر می‌رسد وی چنین تشریحی را در هر شرایط زمانی و مکانی نا عادلانه می‌داند. با توجه به آنچه بیان شد، دیدگاهی که با شرایط و مقتضیات کنونی مقبول تر و مستدل تر به نظر می‌رسد، همان دیدگاه چارم است. سه دیدگاه دیگر، به اصل وجود روایات صحیح درباره ضمان عاقله اعتراف دارند. اما دیدگاه چهارم، ضمن پذیرش اصل تشریح ضمان عاقله، موضوع این حکم را با توجه به شرایط و مقتضیات زندگی قبیله ای و عشیره ای محقق می‌داند. به همین جهت، اعتقاد دارد چون آن شرایط در حال حاضر موجود نیست، بنابراین موضوع این حکم منتفی است و در نتیجه حکم نیز منتفی خواهد بود.

۲۰۲) ضمان عاقله حکمی وضعی یا تکلیفی

یکی از مباحثی که در مورد مسئولیت عاقله وجود دارد، آن است که ضمانت عاقله نسبت به پرداخت دیه حکم وضعی است یا تکلیفی؟ و در صورتی که حکم وضعی باشد مسئول اصلی همان عاقله است و جانی مسئولیت ندارد، و در صورتی که حکم تکلیفی باشد، مسئول و بدهکار اصلی جانی است و عاقله از سوی جانی دین او را می‌پردازد. حال اگر مسئولیت عاقله تکلیفی باشد، جانی مسئولیت

وضع‌ی خواهد داشت و فقط عاقله مکلف است دینی را که در ذمه جانی است ادا نماید. اما اگر مسئولیت وی مسئولیت وضعی باشد، خود وی مدیون است نه جانی، زیرا اگر قرار باشد هم جانی و هم عاقله هر دو مدیون باشند، در این صورت دو ذمه در مقابل بدهکاری واحد مشغول خواهد شد، که بنا بر قول مشهور بین فقها، چنین چیزی معقول نیست. به هر حال مرحوم صاحب جواهر و بعضی از علمای معاصر معتقدند عاقله مدیون نیست و تنها جانی در مقابل جنایتی که مرتکب شده، مسئول است و به اولیای دم یا مجنی علیه بدهکار می‌باشد. در زیر دلایل صحت این نظر بررسی می‌شود.

الف - هیچ کس در مقابل جنایت دیگری مسئول نیست چرا که خداوند متعال در آیه ۱۸ سوره فاطر می‌فرماید «ولانزروه وزر اخری» و این یک حکم عقلی و عقلایی است که هر کس جنایتی را مرتکب می‌شود تنها خودش مسئول باشد و دیگری در مقابل جنایت او هیچ گونه مسئولیتی نداشته باشد، نه وضعاً و نه تکلیفاً.

ب - اگر مسئولیت عاقله، مسئولیت وضعی باشد، لازم است جانی در مقابل جنایتی که مرتکب شده است، به هیچ وجه مسئولیتی نداشته باشد، نه وضعاً و نه تکلیفاً. زیرا بدهکار در این فرض عاقله است نه جانی. و جانی وقتی بدهکار نباشد، نمی‌توان از او مطالبه دیه کرد و مسئول هم نیست. از امام صادق (ع) درباره حکم مردی سوال شد که به طرف گوسفندی تیرمی اندازد و به انسانی اصابت می‌کند و کشته می‌شود. امام فرمودند: این قتل، بدون شک، قتل خطائی است و دیه و کفاره به جانی تعلق می‌گیرد. از این روایت، به روشنی پیداست که مسئول پرداخت دیه و کفاره، خود جانی می‌باشد.

### ۳۰۲) دیه مجازات یا جبران خسارت

آیا دیه جنبه حقوقی دارد و نوعی جبران خسارت و از قبیل ضمان مدنی و حقوقی است، یا مجازاتی است مالی؟ در این مورد نظراتی وجود دارد بعضی گفته‌اند: ظاهر ادله این است که دیه هم جنبه جبران خسارت دارد و هم جنبه بازدارنده. به همین دلیل یکی از نامهای دیه «عقل» به معنای باز داشتن است. گروهی دیگر عقیده دارند که دیه مجازاتی برای جانی است زیرا با گذشت شاکی خصوصی منتفی می‌شود. پس هم چون حد سرقت و کذب نوعی مجازات است. به دلایلی چند می‌توان دیه را جبران خسارت دانست. از جمله:

الف. حق عفو دیه برای مجنی علیه یا وارثان اوست.

ب. پرداخت دیه جانی را از کفاره معاف نمی‌کند.

ج. مال دیه فقط به مجنی علیه یا وارثان او تعلق می‌گیرد.

### ۳. وجود نص در حکم عاقله

نص یعنی ادلی شرعی از کتاب و سنت که پایه‌های اساسی در بیان احکام و قضایا و وقایع هستند. خواه عقد و پیمان باشد یا امور عبادی یا اجتماعی یا اقتصادی و... که نباید از آن تجاوز کرد. اجتهاد یعنی در مواردی که نص ساکت یا اجمال یا اطلاق دارد یا نصی وجود ندارد، باید براساس قواعد مسلم اظهار نظر و اجتهاد کرد. این اجتهاد هنگامی عملی است که در طول نص قرارگیرد. چنانچه در عرض نص باشد، بدعت و خروج از قاعده‌ی مسلمانه اجتهاد خواهد بود. عالمان اصول می‌گویند نص دلیل مبتنی بر حکم شرعی

است که از راه قطع یا ظن معتبر شرعی یا عقلی حاصل شود. حال باید در موضوع عاقله بررسی کرد که آیا نص است یا اجمال و اطلاق دارد و این که اصولاً نصی وجود ندارد که اجتهاد کنیم و بگوییم عرف امروز آن را نمی‌پذیرد و اجرای آن عملی نیست و به قولی سالبه به انتفای موضوع است؟

خوشبختانه در مورد حکم عاقله نص (سنت) عملی و قولی و تفریری وجود دارد پس مجالی برای اجتهاد در عرض و مقابل این نصوص متضافره نیست و حتی اگر نص شرعی هم بر پایه عرف و عادات استوار باشد و سپس عرف و عادت تغییری در نص روا نیست مگر این که موضوع حکمی تغییر و دگرگون شود که در این صورت حکم نیز تغییر می‌کند.

### ۲۰۳) ناتوانی عاقله در پرداخت دیه و عدم وجود عاقله برای جانی

ماده ۳۱۲ قانون مجازات اسلامی « هرگاه جانی دارای عاقله نباشد یا عاقله او نتواند دیه را در مدت سه سال بپردازد، دیه از بیت المال پرداخت می‌شود. » توضیح هرگاه عاقله محکوم به پرداخت دیه شود و آن را پرداخت ننماید اگر متمکن باشد باید از اموال او اخذ شود و اگر متمکن مالی نداشته باشد و معسر باشد دیه از بیت المال پرداخت شده و نیازی به تقدیم دادخواست اعسار توسط عاقله نیست. این در صورتی است که دادگاه عدم توانایی عاقله را نسبت به پرداخت دیه احراز کند.

### نتیجه‌گیری

یکی از ضروری‌ترین مسائل اجتماعی و حقوقی اسلام، ضمان عاقله است که اجرای آن مایه آرامش خاطر و امنیت روان افراد جامعه می‌شود. از بررسی ایرادات وارده بر نهاد عاقله، منطقی و عقلانی بودن مسئولیت عاقله در پرداخت دیه در موارد قتل خطایی روشن می‌شود. زیرا از یک طرف با تأمل در ماهیت دیه باید گفت که دیه اصولاً مجازات اصطلاحی نیست، بلکه یا صرفاً جبران خسارت است و یا طبق نظر بسیاری از فقها و حقوقدانان تأسیسی جدید است که ماهیتی تلفیقی دارد و کمتر کسی قائل به مجازات صرف بودن دیه شده است. در نتیجه پرداخت دیه توسط عاقله، با اصل شخصی بودن مجازات در تعارض نیست. از طرفی، مبنای مسئولیت عاقله در روایات و از دید فقها، توارث است. توارث نیز امری همیشگی است که مختص زمان خاصی نیست، و بر این اساس در حال حاضر نیز نهاد مورد تأیید اسلام برای پرداخت دیه در موارد خطایی، نهاد عاقله است.

در نهایت پیشنهاداتی به شرح زیر در جهت آشنایی بیشتر و استفاده بهتر از مقوله عاقله ارائه می‌گردد:

- به منظور آگاه‌سازی اقشار جامعه، پژوهش‌گران علوم اسلامی و اجتماعی و... تحقیقات خود را در این زمینه، بیشتر گسترش دهند و به جنبه‌های گوناگون آن بپردازند.

- مسئولان فرهنگی که رسالت رشد و ترویج فرهنگ اسلامی را به دوش می‌کشند با برپایی همایش‌هایی جهت فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن موضوع عاقله در جامعه تلاش کنند چراکه این موضوع از اهمیت شایان توجهی برخوردار است.

- پیش‌بینی شیوه‌های نوین متناسب با عرف جامعه امروزی در موضوع عاقله به عنوان مثال یکی از راه‌ها آن است که دولت در قالب

بیمه چنین مسئولیتی را به عهده بگیرد: به مرور زمان مبالغی را گرد آوری و در صندوقی ذخیره و در راه های مناسب سرمایه گذاری شود تا ارزش افزوده ای هم داشته باشد.

- راه دیگر آن است که دولت از محل خاص - بی آن که از کمک های مردم استفاده کند ضامن و عاقله ی مردم خود باشد و جنایات و خطای محض آنان را تدارک کند.

## منابع

۱. ابن ادریس، احمد، سرائر، ۳ جلدی، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
  ۲. ابن زهره، حمزه بن علی، غنیه النزوع، قم، موسسه الامام الصادق، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
  ۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دائره المعارف علوم اسلامی قضائی، تهران، گنج دانش، ۱۳۶۳.
  ۴. صالحی، فاضل، دیه یا مجازات مالی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
  ۵. مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، قم، اسماعیلیان، چاپ ششم، ۱۳۷۳.
  ۶. مرعشی شوشتری، محمد حسن، دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
  ۷. موسوی بجنوردی، محمد، مقالات فقهی، حقوقی، فلسفی و اجتماعی، تهران، چاپ و نشر اروج، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- Cabrillac, Remy, Droit des obligations, Dalloz, ۲۰۰۵.